مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال سیزدهم ، شماره ۲، پاییز زمستان ۱۴۰۰، شمارهٔ پیاپی ۲۵

DOI: 10.22067/JLKD.2021.48418.0

تحلیل گزیده‌ای از اشعار فیلیس ویتلی، شاعر آفریقایی ـ آمریکایی برپایهٔ نظریهٔ «استدلالِ» تولمین

ویدا سبزواری بیدختی، دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، سبزوار، ایران

سعید روزبهانی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)

ابوالقاسم امیراحمدی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران

صص: ۱۶۴-۱۳۵

چکیده

نظریهٔ استدلال یا استدلال‌ورزی، مطالعه‌ای بینارشته‌ای است که می‌توان ازطریق آن و با استنتاج منطقی، به نتیجهٔ خاصی رسید. استنتاج منطقی بدین معنا است که ادعاهایی، چه صحیح چه غلط، مبتنی بر مقدماتی مطرح می‌شود. این فرایند در علوم انسانی، مناظره‌های مدنی، مباحثه و گفتگو کاربرد داشته و هدف از آن غالباً اقناع مخاطب و دفاع از اعتقادات و یا منافع طرفین است. یکی ازنظریه‌های معروف، نظریهٔ استدلال ورزی تولمین است که دارای شش مؤلفهٔ دعا، داده‌ها، برهان، پشتوانهٔ برهان، ردیّه یا نقیض برهان و شاخص‌های قطعیتِ کلام می‌باشد که سه مورد اول حضور قطعی و مابقی، اختیاری‌اند. این پژوهش تحلیلی ـ توصیفی که بر محور نظریهٔ ادبی می‌باشد، با هدف تحلیل و واکاویِ چند قطعهٔ برگزیده از اشعار (مجموعه‌های دعاوی و توصیه‌هایِ) سیاسی، اخلاقی و اعتقادی فیلیس ویتلی؛ ویتلی، شاعر آفریقایی ـ آمریکایی(۱۷۷۳) از سه جنبهٔ الف) شناسایی برهان‌ها، ب) شناسایی دعاوی و زمینهٔ آنها و ج) لحن و قطعیت کلام مورد توجه قرارگرفته‌است. نتایج حاصل از این بحث، مشخص می‌کند که دعاوی و توصیه های ویتلی با زبانی ساده و به دور از تصنع و تکلف ادبی بازنویسی شده و نسبت به تعداد قطعات، دارای تنوع بسیار

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶

پست الکترونیکی: 1. vidaasabzevari@gmail.com 2. roozbahani@iaus.ac.ir
3. amiaahmadi@iaus.ac.ir

زیادی هستند. دعاوی مذکور، نشان ازآن دارد که ویتلی در زمرهٔ وظیفه‌گرایان قاعده‌نگر که گرایشی از هنجارشناسان اخلاق هستند، می‌باشد. در نمونه اشعار بررسی شده، برهان‌های متعددی شناسایی شده غالباً ازنوع عقلی بوده و به‌صورت تلویحی و ضمنی مورد اشاره قرارگرفته‌اند. هرچند ویتلی، در بیان توصیه‌های خود به افراد صاحب‌مسند و عالی‌رتبه، از ساخت‌های محافظه کارانهٔ دعایی، تعجبی، مبالغه و سؤال خطابی بهره می‌برده، ولی، غالباً ترجیح می‌داده از ساختار قاطع خبری استفاده کند که ذاتاً نیازی به تقویت‌کننده ندارد. در مجموع، ویتلی در اشعار منتخب، لحن قاطع، بااطمینان و باثباتی دارد.

واژگان کلیدی: فیلیس ویتلی، نظریه، استدلال، تولمین، تحلیل.

۱.مقدمه

نظریهٔ استدلال یا استدلال‌ورزی، مطالعه‌ای بین رشته‌ای است در این باب که چگونه می‌توان از طریق استنتاج منطقی به نتیجهٔ خاصی رسید؛ استنتاج منطقی بدین معنا است که ادعاهایی، چه صحیح چه غلط، مبتنی بر مقدمه‌هایی مطرح شود. این فرایند در علوم انسانی، مناظره‌های مدنی، مباحثه و گفتگو کاربرد داشته و هدف از آن غالباً اقناع مخاطب و دفاع از اعتقادات ویا منافع طرفین است.

استدلال یا گَواه‌آوری، ترکیب قانون‌مند قضیه(های) معلوم برای رسیدن به قضیه(های) نو است. در این فرایند، ذهن بین چند قضیه، ارتباط برقرار می‌کند تا از پیوند آن‌ها، نتیجه زاده شود و به‌این‌ترتیب نسبتی مشکوک و مبهم به نسبتی یقینی تبدیل شود؛ به عبارتی دیگر، به تجمیع تصدیقات[1] برای اثبات تصدیقی دیگر استدلال گفته می‌شود (عالمی، ۱۳۸۹: ۸).

در دیدگاه سنتی، هر استدلال از یک یا چند فرض (مقدمه)، روشی منطقی برای استدلال و استنتاج، و تنها یک نتیجه (ادعا) تشکیل می‌شود. در واقع، در استدلال‌ورزی، از فرض‌ها یا مقدمه به عنوان گزاره‌های معلوم و حقیقی استفاده می‌شود تا گزاره‌ای نو رخ بنماید. در نتیجهٔ این فرایند، به‌ویژه اگر در حیطه‌ی اخلاق و مذهب صورت گیرد، ممکن است اندیشه‌ها، عقاید،

۱ – به جملات خبری گفته می‌شود که بر سلب یا ایجاب مطلبی دیگر امر دارد. مانند: جیوه فلز است.انسان حیوان نیست.

و جهان‌بینیِ مخاطب چنان تحت تأثیر قرار گیرد که وی بیش از پیش بـه آنهـا پایبنـد شـود، در جهت اصلاح آنها قدم بردارد ویا از آنها رو برتابد.

در همین راستا، ارسطو، فیلسوفِ فاضلِ یونان باستان، برهان‌ها، مسـتندات و شـواهد قابـلِ استناد در اقناعِ مخاطب را در دو دسته جای داده‌است: الف) استفاده از «گواه غیرهنری»[1] ماننـد شهادت شاهدان یا مستندات موجود؛ و ب) «گواه هنـری»[2] یـا مجموعـهٔ اسـتدلال‌ها، قیاس‌هـا، استنتاج‌ها، استقراءها و مثال‌هایی که خطیـب آنهـا را فـراهم آورده‌اسـت؛ ایـن فیلسـوف بـرای اقناعی‌تر کردنِ برهان‌هایِ گروه «ب» که وی آن را هستهٔ مرکزیِ استدلال در فن خطابه می‌داند، انجام سه راه‌کار را پیشنهاد می‌کند: ۱) ایجاد اعتبار یا توسّل به برداشت مخاطبان از شخصیت و نفوذ خطیب؛ ۲) ایجاد هیجان یا توسّل به احساسات مخاطبان؛ و ۳) اقناع عقلـی یـا توسّـل بـه قوای عقلانی مخاطبان (ریچاردز، ۲۰۰۸: ۴۱–۵۳؛ کندی، ۱۹۶۳: ۸۷–۱۰۲).

می‌توان سه ویژگی یعنی ایجاد اعتبار، ایجاد هیجان، و اقناع عقلی را هم‌زمان برای برخـی از آثار ادبی بویژه «شعر» با شاعری پرآوازه متصور دانست. شاعران، بـا نگـاه خـاص خـویش بـه انسان، جامعه، روابط انسانی، زندگی، بایدها و نبایدهای فرهنگی و اجتماعی می‌نگرنـد و آمـال و آرزوهای خود را با گونهٔ ادبی زبان به‌تصویر می‌کشـند و از ایـن رهگـذر در مخاطـب اثـری ژرف می‌گذارند.

۲.مبانی نظری پژوهش

نظریهٔ استدلال‌ورزی استفن ای. تولمین (۱۹۲۲– ۲۰۰۹ م) فیلسوف بریتانیایی، که بـه زعـم خود او در ابتدا برای تقویت دعاوی و دفاعیه‌ها در دادگاه طرح شده بود، به حوزه‌هـای زبـان– شناختیِ تحلیل خطابه، تحلیل گفتمان و مطالعات تطبیقی نیز بسط داده شده‌است. این نظریه که ابتدا در کتاب «*کاربردهای استدلال*» معرفی شده، نه‌تنها از ناخشـنودی او از مطلـق‌گرایـی ـ بـه عنوان دیدگاه معرفت‌شناختیِ بنیادگرایان هم‌عصر با او– سرچشمه می‌گیرد، بلکـه، هـم‌زمـان از تعارض افکار او با بینش نسبی‌گرایی زاده شده‌است. وی، رویکرد نوینی را بـه عنـوان سـومین گزینه؛ یعنی نه مطلق‌گرا و نه نسبی‌گرا، در تبیین و ملاحظهٔ چنین مسائلی معرفی کرد کـه دلیـل

1. Inartistic proof
2. artistic proof

(argument) را به‌عنوان مفهومی مرکزی در نظر می‌گیرد که با لحاظ آن، استنتاج (reasoning) را می‌توان درک کرد.

تولمین، برای این که دیدگاه خود را دربارهٔ زندگی روزمره و رد مطلق‌گرایی، البته بدون باور به نسبی‌گرایی، تبیین کند مفهوم زمینه‌های استدلال را معرفی کرده‌است.. وی بر این باور است که برخی از مؤلفه‌های استدلال از هر رشته (درسی، فکری، علمی، و ...) به رشته‌ای دیگر، از هر زمینه به زمینه‌ای دیگر و یا از هر حوزه به حوزه‌ای دیگر متفاوت است. برخی از باورها، مفروضات، و مقدماتی که استدلال‌ها بر مبنای آنها شکل می‌گیرند، مطلق ویا جهان-شمول هستند و برخی دیگر نسبی. به عنوان مثال، مبانی استدلال‌هایی که در زمینه‌های ریاضیات و فرهنگ صورت‌می‌گیرند، غالباً از این نظر با هم متفاوت‌اند که در اولی، جهان-شمول (زمینه‌مستقل) اند و در دومی نسبی (زمینه‌وابسته). ازهمین رو، تولمین در طول کار خود برای ارائه راه‌حل‌هایی برای مشکلات مطلق‌گرایی و نسبی‌گرایی تلاش می‌کند تا استانداردهایی را برای ارزیابی ارزش ایده‌ها بسط دهد که نه مطلق و نه نسبی‌گرایانه‌اند.

وی، بر این باور است که هر استدلال موجه، قانع‌کننده و مقاوم در برابر انتقاد سه مؤلفهٔ اصلی با حضور اجباری (سه مورد اول) و سه مؤلفهٔ فرعی با حضور احتمالی دارد. مؤلفه‌های مزبور عبارت‌اند از:

الف) ادعا(claim): نتیجه‌ها یا توصیه‌هایی که روایی و اعتبار آنها در بحث باید تایید شود.

ب) داده‌ها (data): شواهد و حقایقی که به‌عنوان پایه‌ها و اساس هر بحث و ادعایی به‌آنها استناد می‌شود.

ج) برهان(warrant): مفروضاتی که داده‌ها را به‌لحاظ منطقی به‌ادعا گره می‌زنند. احکام و گزاره‌های عقلی، نقلی، قانونی، ویا تجربی را می‌توان به‌عنوان برهان و مستندات ادّعا تلقی کرد.

د) پشتوانهٔ برهان(backing): حقایق و برهان‌های دیگری که درحمایت از برهان اصلی بیان‌می‌شود و یا گزاره‌های معتبری که برهان به‌واسطهٔ آنها قدرت اقناعی بیشتری می‌یابد.

ه) ردّیه یا (نقیض)(rebuttal): داده‌هایی هستند که به‌سبب آن برهان اصلی تضعیف شده و ادعا ردّ می‌شود. به‌نظر نگارندگان، اگر یک مادهٔ قانون در یک مباحثه برهان محسوب شود، تبصره‌هایی که آن ماده را مشروط می‌کنند، ممکن است از این دست باشند.

و) شاخص‌های اطمینان(qualifiers): اینها واژه‌ها یا عباراتی در کلام گوینده هستند که میزان درجهٔ اطمینان، اعتماد، یا تضمین او نسبت به‌دعاوی مطرح را نشان می‌دهند. چنین کلمات یا عبارات، عبارتند از: «حتماً»، «احتمالاً»، «غیرممکن»، «قطعاً»، «شاید»، «تا آنجا که به‌شواهد دسترسی داریم»، «لزوماً» و نظیر این‌ها.

فیلیس ویتلی (تولد ۱۷۵۳ – مرگ ۱۷۸۴ میلادی)، نخستین شاعر سیاه‌پوس آمریکایی و یا به قول گیتس اولین شاعر زن آفریقایی ـ آمریکایی است که اشعارش منتشر شده‌اش، او را به مشهورترین آفریقایی روی زمین بدل نموده‌است (گیتس،۲۰۱۰: ۳۳). در قرن هجدهم، فیلیس را در کودکی از موطن خود، غرب آفریقا، ربوده و در آمریکا به عنوان برده فروخته‌اند. تبحر ویتلی در سرودن شعر به زبان غیرمادری‌اش، انگلیسی، به حدی شده که شخصیت‌هایی چون جورج واشنگتن رئیس جمهور وقت آمریکا کار او را ستایش کرده‌اند (میهان و بل، ۲۰۱۷).

شیلدز (۱۹۸۰) بر این باور است که بهره‌برداری ویتلی از کلاسیسیسم، کار او را منحصربه‌فرد و اصیل، وازاین‌رو، از سایر معاصرانش متمایز کرده‌است(ص ۹۸). وی، معتقد است اشعار ویتلی قبل ازآنکه باشکوه و درخشان باشند، اندیشمندانه و بازتابنده‌اند. (ص ۱۰۰). شهرت ویتلی از انتشار مجموعهٔ ۳۹ قطعه‌ای از اشعار کوتاه و بلندِ این زنِ سیه‌چهره در مجلدی با عنوان *شعرهایی با موضوعات مختلف، مذهبی و اخلاقی* در سال ۱۷۷۳ میلادی سرچشمه گرفته‌است.

مقالهٔ حاضر باهدف بررسی نظریهٔ تولمین در اشعار منتخب فیلس ویتلی، براساس روش تحلیلی ـ توصیفی صورت‌گرفته استو سعی شده به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

ـ ویتلی در قالب اشعار سیاسی/اجتماعی منتخب چه ادعاها ویا توصیه‌هایی مطرح کرده است؟

ـ این شاعر از چه برهان‌ها و پشتوانه‌هایی- اعم از عقلی، نقلی و قانونی- برای اقناعِ مخاطب و تأییدِ دعاوی خود استفاده کرده‌است؟

ـ شاخص‌های قطعیّت به کاررفته در داده‌ها، دعاوی و برهان‌ها کدام اند و تأثیرهای ممکن و محتمل آنها بر لحن و کلام ویتلی چیست؟

فرضیه‌ی تحقیق حاضر این است که با نگاهی اجمالی به به سروده‌های ویتلی، به‌نظر می- رسد ویتلی در زمینه‌های مختلف اخلاق، دنیای پس از مرگ، مذهب و طرد برده‌داری، طرح دعوی نموده و غالبا از برهان‌های عقلی و مذهبی در اشعار خود استفاده کرده است.

۳. پیشینهٔ پژوهش

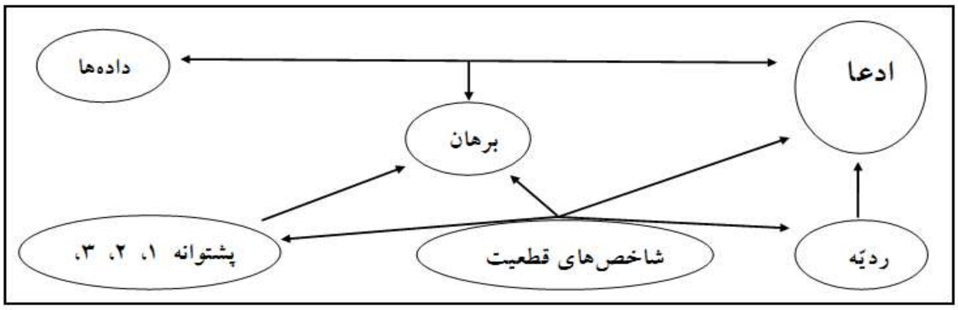
حسن‌زاده(مصطفوی)، درمقاله‌ای کوتاه با عنوان«فیلیس‌ویت‌لی،نخستین شاعر سیاه‌پوست آمریکایی»، مختصری از ابعاد زندگی، شعر و اندیشهٔ وی را بیان کرده است. روزبهانی و دیگران (۱۳۹۸) با بررسی نمونه‌ای از مناظره‌های پروین اعتصامی در چارچوب مدل تولمین، ازنظر نوع و زمینهٔ دعاوی، برهان‌های زیربنایی و میزان قاطعیت در لحن شاعر سبک استدلالی وی را واکاوی نموده‌اند. مزینانی و نصیری(۱۳۹۸) درمقاله‌ی خود با عنوان «طرح روش تحقیق جهت کاربست نظریه‌ی تولمین درسبک شناسی، تحلیل گفتمان و زبان شناسی حقوقی»، به بررسی استدلال فوق در سه متن از ژانرهای مختلف: یک قطعه شعری، لوایح دفاعی و گفتمان سیاسی پرداخته‌اند. عبدالهی و عمل‌صالح (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان« بررسی ساختار استدلال در سه متن دوره‌ی قاجار»، به بررسی ساختار استدلال در سه متن از نویسندگان مختلف دورهٔ قاجار اشاره‌کرده‌اند. اسکویی (۱۳۹۴) هم درنوشته‌ی خود باعنوانِ «تأثیر فرهنگ بر شعر رسمی»، به بررسی نقش برجسته فرهنگ و ادبیات عامیانه در تحکیم بنیادهای معنایی و استدلالی ادبیات رسمی پرداخته‌است. باتوجه به پژوهش‌های فوق، می‌توان گفت تاکنون پژوهش مستقلی در مورد تحلیل نظریهٔ تولمین در اشعار ویتلی، صورت نگرفته است.

۴. مبانی نظری پژوهش

برای تحلیل متون استدلالی در زمینه‌های مختلف در چارچوب نظریهٔ استدلال تولمین از سوی مزینانی و نصیری(۱۳۹۸) مدلی تدوین و پیشنهاد شده‌است؛ این دو روش‌تحقیق پیشنهادی خود را برمبنای شناسایی مؤلفه‌های شش‌گانه‌ی مدل تولمین در متن منتخب، تدوین و متناظر با این مؤلفه‌ها نیزپنج سؤال پژوهشیِ متن کاوانه مشابه با سؤالات این مقاله طراحی کرده‌اند (دراین مدل، برهان اصلی و برهان پشتوانه در یک سؤال جمع شده است). این دو

پژوهش‌گر، در مدل پیشنهادی خود رابطهٔ بین مؤلفه‌های استدلال تولمینی را با نمودار زیر بازنمایانده‌اند. نکتهٔ قابل توجه در این نمودار رابطهٔ شاخص‌های قطعیت با چهار مؤلفهٔ برهان، پشتوانه، ادعا و ردّیه است به‌نحوی که این عناصر در دل مؤلفه‌های مذکور جای می‌گیرند.

نمودار ۱: بازنمون روابط حاکم بین مؤلفه‌های مدل استدلال تولمین در روش‌تحقیق پیشنهادی



با این اوصاف، پاسخ به‌سؤالات پژوهشی این مقاله مستلزم تفکیک ابیات هر شعر منتخب به‌مؤلفه‌های استدلالی در چارچوب فوق است؛ لذا، برای آشنایی هرچه بیشتر خوانندهٔ این پژوهش با شیوهٔ تحلیل و توصیف، نگارندگان، متن زیر را به عنوان نمونه و به نحوی که هر شش مؤلفهٔ تولمینی را دارا باشد طراحی نموده‌اند:

«من در اراک متولد و بزرگ شده‌ام[داده]، و بی‌شک^شاخص^ ایرانی هستم[ادعا]، زیرا اراک در محدودهٔ مرزهای سیاسی ایران است[برهان]. هر کس^شاخص^ در محدوده مرزهای سیاسی یک کشور متولد شود قانوناً^شاخص^ تابع آن کشور محسوب می‌شود[پشتوانه]. البته، گمان می‌کنم^شاخص^ اگر کسی به علت جاسوسی ویا خیانت به کشور مجرم شناخته شود تابعیت او لغو می‌گردد[ردیه]».

در این متن محقق‌ساخته، مؤلفه‌های استدلالی به تفکیک نشان داده‌است. در چارچوب مدل تولمین، نویسندهٔ متن فوق پس از ارایهٔ *داده‌ها* یا اطلاعاتی دربارهٔ محل تولد و بزرگ شدن خود، این *ادعا* را طرح کرده که ایرانی است. وی پس از طرح ادعای خود و برای اثبات آن از یک *برهان* عقلی و *پشتوانهٔ* قانونی آن بهره‌می‌گیرد. از طرفی، او، ضمن طرح ادعای خود، با *شاخص‌های قطعیت* «بی‌شک» و «هر» بر صحت و صدق ادعای ایرانی بودن و برهان قانونی

خود تأکید می‌نماید، اما، با *شاخص* «گمان می‌کنم» دربارۀ صحت اطلاعاتی که به عنوان استثنا یا *ردّیه* مطرح کرده ابراز تردید کرده‌است.

در این چارچوب، تمامی انتقادات، پیشنهادها، توصیه‌ها، جملات امری و نتایج مطرح در این پژوهش عنوان «ادّعا» به‌خود می‌گیرند. با وجود این، باید آگاه باشیم که در زبان روزمره، برخی از ادعاها و توصیه‌ها در قالب جملات تعجبی و سؤال‌های خطابی طرح می‌شوند. بنابراین، «گاهی اوقات باید به ورای صورت‌های لفظی جملات نگاه کنیم. اگر منظور واقعی از آنچه گفته شده، بیان یک ادعا است باید آن را بخشی از یک استدلال تلقی کرد» (کانوی و مانسون، ۱۳۹۱: ۲۷–۲۸).

اما، شناسایی برهان‌ها، به‌ویژه برهان‌های عقلی، کار چندان ساده‌ای نیست؛ ازاین‌رو، به‌مطالعات پیشین رجوع کرده و تعریف آنها را معیار و ملاک تصمیم‌گیری قرار می‌دهیم. ووداک[1] مُبدع و طرّاح اصلی رویکرد گفتمانی ـ تاریخی، در باب شناخت برهان‌های عقلی می‌نویسد «این اشارات و مواضع عقلیِ[2] قابل استنتاج را ـ که باعنوان طرح‌واره‌های استدلالی نیز از آنها یاد می‌شود ـ می‌توان به‌عنوان بخشی از استدلالاتی توصیف کرد که گوینده در دفاع از ادعاهای خود مطرح می‌کند» (ووداک، ۲۰۰۱: ۷۴). در خصوص شناسایی آنها در متن نیز ریزیل و ووداک (۲۰۰۹: ۱۰۲) می‌نویسند که مواضع عقلی لزوماً با صراحت بیان نمی‌شوند، امّا اگر به‌صورت جمله‌های شرطی یا علت و معلولی اگر (الف) پس (ب) و وجود (الف) به‌علت (ب) به‌صورت صریح‌تر ادا شده باشند، راحت‌تر می‌توان آنها را شناسایی کرد.

ووداک ضمن تحلیل گفتمان‌های تبعیض‌آمیز ، پانزده موضع عقلی غالباً با تعریف کلی زیر را شناسایی کرده است: اگر موضع عقلی x یک کنش، رفتار، گفتار، و یا اقدامی خاص را تأیید کند، پس باید آن را انجام داد. در غیر این صورت انجام آن نهی می‌شود. مواضع عقلی موردنظر عبارتند از:

۱) مزیت یا سودمندی، ۲) بی‌فایدگی و ضرر، ۳) تعریف؛ ۴) [پیش‌گیری از] خطر یا تهدید، ۵) انسان دوستی، ۶) عدالت، ۷) مسؤولیت و پاسخ‌گویی، ۸) [رفع] فشار و سنگینی، ۹) [صرف بهینه] امکانات مالی و پول، ۱۰) واقعیت، ۱۱) [استناد به] اعداد و ارقام، ۱۲) قانون و

1- Ruth Wodak
2- topo or locus

حق‌مداری، ۱۳) تاریخ [تجربه]، ۱۴) فرهنگ [و عرف]، ۱۵) [مقابلـه بـا] سوءاسـتفاده (ووداک، ۲۰۰۱ ب: ۷۴ – ۷۶).

مزینانی (۱۳۹۶) نیز از میان نمونه‌های گردآوری شده از کلام امام علی(ع) در نهـج البلاغـه، در مجموع ۲۲ موضع عقلی را شناسایی و تعریف کرده اسـت. از ایـن ۲۲ موضـع، ۸ مـورد بـا فهرست ووداک مشترک‌اند که از ذکرشان خودداری می‌گردد، اما ۱۴ مورد زیر بدیع هستند:

۱) بازدهی و بهره‌وری، ۲) عذر مقبول،۳) اتمام حجت، ۴) افراط و تفریط ممنـوع، ۵) طـرد امیال و هواهای نفسانی، ۶) دِین گروهی، ۷) اولویت و ضرورت، ۸) اجماع، ۹) استطاعت، ۱۰) وجوب/ فوریّت زمانی، ۱۱) پیامد نیکو، ۱۲) توازن کار و دستمزد، ۱۳) انصاف از خـود و ۱۴) صداقت (مزینانی، ۱۳۹۶: ۱۸۷).

۵.تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ تحلیل و توصیف اشعار منتخب فیلیس ویتلی

درباره‌ی آورده‌شدن از آفریقا به آمریکا

فیلیس، پس از اقامت در منزل جدید، غالب آموزش‌های خـود را از مـاری ویتلـی، دختـر ارباب، دریافت کرد که برای زن و برده‌ای چون او در آن زمانه بسـیار فـوق‌العـاده و بـی‌سـابقه بوده‌است. به گفتۀ جان ویتلی، طی شانزده ماه، فیلیس آن–قدر به زبان انگلیسی تسلط داشته که می‌توانسته است حتی «سخت‌ترین قسمت‌های نوشته‌های مقدس» را بخوانـد. زبـان انگلیسـی، ادبیات کلاسیک به ویژه شعر، جغرافیا، تاریخ، کتاب مقدس، تـا حـدودی لاتـین و آمـوزه‌هـای مسیحیت، علومی بوده‌اند که به فیلیس آموزش داده می‌شد. در ۱۸ آگوسـت ۱۷۷۱، فیلـیس بـه دستساموئل کوپر در کلیسای جنوبیِ کهن غسل تعمید یافت (کارتا، ۲۰۰۱: ۱۴)

ویتلی اسارت خود را در قطعۀ زیر به تصویر می‌کشد. اما، این واقعه باعـث نشـده کـه وی خود را مغضوب خالق بداند یا این که سرنوشت خود را مختوم به بردگی ببیند؛ هرچند، وی بـا این باور مسیحیان آشنا شده‌بود که سیاهان از فرزندان و تبار قابیل، فرزنـد بـرادرکش حضـرت آدم، پس، ملعون و از نفرین‌شدگان‌اند (مانی، ۲۰۱۵):

On being brought from Africa to America.

درباره‌ی آورده‌شدن از آفریقا به آمریکا

'TWAS mercy brought me from my Pagan land,
Taught my benighted soul to understand

رحمت بود که مرا از موطن کفر (به اینجا) آورد، و به روح شب‌زده‌ام آموخت که بفهمد، [ادعا متضمن داده]

That there's a God, that there's a Saviour too:
Once I redemption neither fought nor knew,

که خدا هست، که یک ناجی هم هست: زمانی نه دغدغه‌ی رستگاری داشتم و نه می‌شناختمش [داده متضمن برهان]

Some view our sable race with scornful eye,
"Their colour is a diabolic die."

برخی نژاد سیاه ما را به چشم تمسخر می‌نگرند[داده]، (و می‌گویند) «رنگ آنها بنایی اهریمنی است» [ادعا]

Remember, Christians, Negroes, black as Cain,
May be refin'd, and join th' angelic train

بهوش! ای مسیحیان و آفریقایی‌ها، سیاه قابیل‌تبار، ممکن است[شاخص] تزکیه شود و به قطار آمرزیدگان بپیوندد. [ادعا] (ویتلی، ۱۷۷۳: ۷)

در مطلع این شعر، به نظر می‌رسد ویتلی با بینش کسانی که سیاهان را به بردگی می‌گرفتند، چون آفریقا سرزمین جهل و کفر است موافق بوده و ترک آنجا برای او خوش‌آیند بوده است. اما، وی در شعری با عنوان «خطاب به عالی‌جناب فرماندار دارتموث» (نک. ویتلی، ۱۷۷۳: ۲۷) از این که از پدر و مادر دور است و آنها به خاطر ربوده‌شدنش غمگین اند ابراز ناراحتی کرده است. از طرفی، شاعر به این که در موطن خود آزاد بوده، حال‌آنکه در آمریکا برده شده اشاره‌ای نکرده‌است. بنابراین، در این شعر پارادوکسی نهفته است با این مضمون که ویتلی در بردگی و اسارت، – با شناخت خدا و تقرب به او – از جنبه‌ی روحی و معنوی آزاد شده است.

از آغاز مصرع دوم تا پایان مصرع چهارم، ویتلی با استدلالی آمیخته با داده‌هایی درخصوص پیشینه‌اش توضیح می‌دهد که چرا این بردگی را خوش‌اقبالی می‌داند؛ او از روحی بی‌خبر از خدا می‌گوید که چون شب سیاه و تاریک بوده‌است و گناه‌آلود، ولی اکنون با شناخت خدا و مسیح زنده و روشن شده‌است. به دیگر سخن، او با «دارایِ‌روح» خواندن خود در زمان قبل از گرویدن به مسیحیت، تلویحاً به کسانی که ملحدان و غیرمسیحیان را فاقد روح می‌دانستند نیز

می‌تازد. در این میانه، شاعر رنج‌هایی که در اسارت متحمل شـده را در برابـر یـافتن رسـتگاری هیچ می‌پندارد. با توجه به این مقدمه، در جدول زیر باورهای شـخص شـاعر در قالـب ادعـا و برهان مشخص و با زبانی رساتر ثبت شده‌است:

گرچه برخی ممکن است چهار مصرع اول این شعر را توجیه ویا تحسینی از جانب ویتلـی برای برده‌داری بپندارند، اما چهار مصرع بعدی به شکل غافـل‌گیرکننـده‌ای خـلاف ایـن امـر را ثابت می‌کند. از مصرع پنجم، شاعر به معلم اخلاق بدل می‌شود و نگرش خوانندگان نژادپرست درباره‌ی سیاهان را به چالش کشیده و آنان را به تفکر وامی‌دارد و معنایِ حقیقیِ ایمان بـه خـدا را به آنها گوشزد می‌کند.

جدول ۲- دعاوی و برهان‌های مطرح از نظر شخص شاعر در شعر «دربارهٔ آورده شدن به آمریکا»

	مؤلفه	شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده	زمینهٔ طرح
شاعر	دعاوی	۱. فرصت شناخت و تقرب به خدا برای شاعر از رحمت الهی است. ۲. امکان رستگاری، حتی برای سیاهان هم هست، حتی اگر بنا به باور شایع ملعون و نفرین‌شده باشند.	خداشناسی نفی نژادپرستی
	برهان‌ها	۱. برهان عقلی رستگاری: ایمان به خدا موجب رستگاری است. ۲. برهان عقلی تاریخ: ویتلی سیاه‌پوست بوده و ایمان آورده است.	عقیدتی تجربی

بعلاوه، او در مصرع ششم، در قالب این نقل قول "رنگ آنها بنـایی اهریمنـی اسـت" بـاور برخی از مسیحیان مبنی بر ارتباط سیاه‌پوستان با امور شیطانی را به تمسخر گرفته و ناخشـنودی خود را ابراز می‌کند (نک. مانی، ۲۰۱۵)؛ این باورهای نژادپرستانه در جدول ۳ به طور صـریح‌تری ثبت شده‌اند:

جدول ۳- دعاوی و برهان‌های مطرح از نظر نژادپرستان در شعر «دربارهٔ آورده شدن به آمریکا»

	مؤلفه	شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده	زمینهٔ طرح
نژادپرستان	دعاوی	۱. سیاه‌پوستان فرزندان قابیل و نژادی نفرین‌شده و اهریمنی اند.	نژادپرستی
	برهان-	۱. برهان عقلی وراثت: فرزندان ویژگی‌های اخلاقی خوب و بد را از پدران و مادران خود به ارث می‌برند (یا به باور برخی بار گناه آنها را نیز	وراثت

	ها	به دوش می‌کشند).	

مانی رحمت تلقی‌شدنِ رویدادِ به بردگی گرفته‌شدن از سوی بعضی سیاهان مثل ویتلی را حاکی از این امر می‌داند که برده‌داران از ابزار مسیحیت به نحو مؤثری برای شستشوی مغزی بردگان در آن دوران استفاده کرده تا بداقبالی خود در بردگی و از آفریقا به آمریکا آورده شدن را بپذیرند(مانی، ۲۰۱۵). هرچند، ویتلی در پایان نیز این ادعا را مطرح می‌سازد که حتی اگر سیاه‌پوستان از تبار قابیل برادرکش باشند، باز هم امکان سوار شدن آنها بر قطار رستگار شدگان و آمرزیدگان وجود خواهد داشت.

به نظرمی‌رسد این باورهای ویتلی به عنوان برده اظهار نظر مانی راجع به تأثیرپذیری بردگان از اربابان مسیحی‌شان را تأیید می‌کند؛ زیرا ادعای قابلیت رستگاری برای نفرین‌شدگان و سیاهان نیز از همین مذهب سربرمی‌آورد (مانی، ۲۰۱۵). ناگفته نماند ویتلی برخلاف گرایش مذهبی خانوادهٔ ارباب از بین فرقه‌های مختلف مسیحیت به متودیسم روی آورد که در آن زمان برداشتی نو از مسیحیت محسوب می‌شده است؛ از جمله باورهای متمایز این فرقه مشخص بودن راه راست و تضمین رستگاری برای همه‌ی بشریت حتی سیاهان و بردگان است.

۲) به عالی‌جناب استان‌دار دارتموث

گرچه حدود یک سوم از سروده‌های ویتلی دربارهٔ مرگ و جهان پس از آن و مابقی نیز غالباً اخلاقی/مذهبی است، اما، وی اشعار سیاسی–اجتماعی نیز دارد؛ به عنوان مثال، «خطاب به فرمان‌دار دارتموث» از این دست بوده و درسال ۱۷۷۲ درباره‌ی آزادی از ظلم و استبداد سروده شده است.

شاعر، این شعر را خطاب به شخصی به نام ویلیام لیگ نوشته‌است که اخیراً به مقام فرمان‌داری دارتموث، در انگلستان، نایل گشته و ظاهراً کسی بوده‌است که آفریقایی‌تبارن را از ظلمی که حاکم پیشین انگلستان به آنها روا می‌داشته رهانیده‌است. این فرد قبل از آن نیز با تصویب لایحهٔ تمبر[1] مخالفت کرده‌بود (نک. هربرت، ۱۹۷۰: ۲۲). این لایحه در سال ۱۷۶۵ با پیشنهاد دولت بریتانیا برای اخذ مالیات از آمریکایی‌های مستعمره‌نشین تصویب شد؛ طبق این لایحه،

1. Stamp Act

تمامی مکتوبات و نشریه‌های چاپی در مستعمرات بایستی روی کاغذهایی صورت می‌گرفت که در لندن تولید شده و دارای تمبر بهادار بودند. مخالفت مستعمره‌نشین‌ها منجر به لغو این مصوبه در سال ۱۷۶۶ شد (نک، ایوستر[۱]، ۲۰۰۸).

ویتلی که پیش از نوشتن این نامه‌ی منظوم با این عالی‌جناب حضوراً در لندن دیدار کرده بود (نک. هربرت، ۱۹۷۰: ۲۴)، از یک سو از خدمات قبلی وی تشکر می‌کند، و از سوی دیگر امیدوارانه از او می‌خواهد از انجام مجدد این‌گونه اقدامات دریغ نورزد. ویتلی در این نامه از گذشته‌ی خود نیز برای بازنمایی مفهوم اسارت و ستم در ذهن خواننده بهره می‌گیرد:

To the Right Honourable WILLIAM, Earl of DARTMOUTH.

به عالی‌جناب استان‌دار دارتموث

HAIL, happy day, when, smiling like the morn,
Fair Freedom rose New-England to adorn:

خوشا، مبارک باد، آن روز که آزادی با لبخندی به زیبایی سحرگاهان، باشکوه برخاست تا آمریکا را آراسته و زیبا گرداند: [داده/ادعا]

The northern clime beneath her genial ray,
Dartmouth, congratulates thy blissful sway:

دارتموث، که سرزمین شمالی زیر تابشِ گرمابخشِ آن است، به مقام فرمانداری جنابتان تبریک می‌گوید: [داده]

Elate with hope her race no longer mourns,
Each soul expands, each grateful bosom burns,

قوم و تبار این سرزمین که امیدوار گشته بیش از این [شاخص] سوگواری نمی‌کنند، هر [شاخص] روحی می‌گسترد، هر [شاخص] سینه‌ی شاکری می‌سوزد، [داده/ادعا]

While in thine hand with pleasure we behold
The silken reins, and Freedom's charms unfold.

درحالی‌که ما با شعف می‌نگریم که با دست تو، افسارهای ابریشمی، و افسون‌های آزادی باز می‌شوند. [داده/ادعا]

Long lost to realms beneath the northern skies
She shines supreme, while hated faction dies:

1. Ivester H.

چیزی که مدت‌ها در سرزمین‌های زیر آسمان‌های شمالی مفقود بود، اینک عالی می‌درخشد، درحالی‌که جناح منفور می‌میرد: [داده]

Soon as appear'd the Goddess long desir'd,
Sick at the view, she languish'd and expir'd;

اکنون که این الهه‌ای که مدت‌هاست طالبش هستیم ظهور کرده، در نظر بیمار و رنجور است و رنگ‌پریده؛ [داده/ادعا]

Thus from the splendors of the morning light
The owl in sadness seeks the caves of night.

بنابراین از شکوه نور بامدادان، جغد در غم و اندوه می‌جوید غارهای شب را. [داده]

No more, America, in mournful strain
Of wrongs, and grievance unredress'd complain,
No longer shalt thou dread the iron chain,

آمریکا بیش از این شاخص از زورگویی‌های غم‌انگیز، که از کارهای اشتباه با اندوهی جبران‌ناشدنی نشأت گرفته، شکوه نمی‌کند. بیش از این شاخص از زنجیر آهنین نباید بترسید [داده/ادعا/برهان]

Which wanton Tyranny with lawless hand
Had made, and with it meant t' enslave the land.

کدامین سرکشی ظلم و استبداد را با دستانِ بیگانه با قانونش بنیان گذاشته، و با آن می‌خواسته تا این سرزمین را در بند کشد. [داده/برهان]

Should you, my lord, while you peruse my song,
Wonder from whence my love of Freedom sprung,

سرورم، اگر شاخص هنگام خواندن شعر من، از خود پرسیدی که عشق من به آزادی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ [سؤال متضمن داده]

Whence flow these wishes for the common good,
By feeling hearts alone best understood,

یا خواسته‌هایم برای رفاه مردم از چه جریان می‌پذیرد؟ [سؤال متضمن داده] (بدان) که فقط شاخص با قلب‌های حساس درست فهمیده می‌شود، [ادعا]

I, young in life, by seeming cruel fate
Was snatch'd from Afric's fancy'd happy seat:

من، خردسال، با سرنوشت به ظاهر شاخص ظالم، از دامن خرم و رؤیایی آفریقا ربوده شدم: [داده]

What pangs excruciating must molest,
What sorrows labour in my parent's breast?

چه دردهایی جان‌کاهی که بایستی شاخص تحمل شود، چه شاخص غم‌هایی که بر سینه‌ی پدر و مادرم سنگینی می‌کند؟ [داده]

Steel'd was that soul and by no misery mov'd
That from a father seiz'd his babe belov'd:

چون پولاد بود آن روح و بدون هیچ شاخص نگرانی قدم برمی‌داشت. که از پدری فرزند دلبندش را ربود: [داده]

Such, such my case. And can I then but pray
Others may never feel tyrannic sway?

چنین، شرح حال من است. ولی آیا کاری می‌توانم کرد جز دعا که دیگران هرگز شاخص حاکمیت استبدادی را حس نکنند؟ [داده/برهان]

For favours past, great Sir, our thanks are due,
And thee we ask thy favours to renew,

عالی‌جناب، به خاطرالطاف گذشته‌تان، سپاس‌گزاریم و از شما می‌خواهیم که الطافتان ادامه یابد، [داده/ادعا]

Since in thy pow'r, as in thy will before,
To sooth the griefs, which thou did'st once deplore.

زیرا اینک در ید قدرت شماست، چونان که پیش‌تر خواست شما بود، که اندوه‌هایی را بزدایید که زمانی آنها را ناروا می‌پنداشتید. [داده/برهان]

May heav'nly grace the sacred sanction give
To all thy works, and thou forever live

امید که عشق آسمانی برکتی مقدس بدهد / به تمام کارهایتان، و شما تا ابد زنده باشید

Not only on the wings of fleeting Fame,
Though praise immortal crowns the patriot's name,

نه فقط شاخص (زنده) بر بال‌های شهرتی گذرا، (بلکه) طوری‌که سلطنت‌های جاوید نام این میهن‌دوست را با تحسین ببرند. [ادعا] ،

But to conduct to heav'ns refulgent fane,
May fiery coursers sweep th' ethereal plain,

اما برای رسیدن(تان) به معبد درخشان آسمانی، امید که شاخص اسب‌های آتشین دشت اثیری را بروبند،

And bear thee upwards to that blest abode,

Where, like the prophet, thou shalt find thy God.

و تو را به سمت بالا برکشند به سوی آن عمارت مبارک، آنجا، که چون پیامبر(مان)، تو خدایت را حتما ^شاخص^ خواهی یافت. [ادعا] (ویتلی، ۱۷۷۳: ۲۶–۲۷)

آزادی چنان اهمیتی برای ویتلی دارد که علاوه بر اظهار شادی برای فراگیرشدنش در مطلع این شعر آن را مایهٔ آراستگی و زیبایی کشور معرفی می‌کند؛ در ادامه، شاعر چند بیتی از خدمات و اقدامات مخاطبِ نامه قدردانی نموده و مجدداً در بیت ششم آزادی را به الهه‌ای تعبیر می‌کند که گرچه پس از مدت‌ها انتظار عمومی ظهور کرده است، اما، «به نظر بیمار و رنجور است و رنگ‌پریده». بنابراین، از عالی‌جناب فرمان‌دار می‌خواهد که «الطافتان ادامه یابد» و «اندوه‌هایی را بزدایید که زمانی آنها را ناروا می‌پنداشتید».

از سوی دیگر، ویتلی در کنار تصویر روشن و باشکوهی که از آزادی ترسیم کرده، توصیفی تیره نیز از وضعیت سیاسی–اجتماعیِ مقابل آن یعنی «استبداد» ارایه می‌دهد؛ او «زورگویی‌های غم‌انگیز»، «زنجیرهای آهنین» به پای بردگان و اسیران، «کارهای اشتباه»، «سنگدلی=روح پولادی» و «بیگانگی با قانون» را هم راه‌گشا و هم محصول حاکمیت استبداد می‌داند.

این زن برای این که نشان دهد به نمایندگی از کسانی سخن می‌گوید که این اوضاع را با تمام وجود خود درک کرده‌اند، لحظهٔ اسفناکی را به تصویر می‌کشد که در خردسالی از موطن «خرم و رؤیایی آفریقا» در منظر پدر و مادرش ربوده شده‌است. این تصویرسازی که همراه با سؤالات خطابی صورت گرفته به نحوی است که خواننده را وادار می‌کند هرچند برای لحظه‌ای کوتاه خود را به جای قربانیان این‌چنین وقایعی قرار دهد. توصیه‌های ویتلی با زبانی عام و ساده در قالب ادعا و برهان در جدول ۴ ثبت شده‌اند:

چند بیت مانده به اتمام این نامه، ویتلی باری دیگر از عالی‌جناب تشکر می‌کند. این شاعر، که طی نامه **به** برهان‌های عقلی **الف) حق و قانون، ب) مقابله با سوء استفاده، ج) رفع فشار و سنگینی، و د) توالی سختی/سستی** متوسل شده، درپایان به مواضع ه) **استطاعت و و) مسؤولیت** روی می‌آورد؛ با این کار، او بسیار هوشمندانه و زیرکانه به مخاطب گوشزد می‌کند که در این مقام هم قدرت انجام تغییرات و اصلاحات را دارد و هم در قبال آن مسؤولیت الهی دارد.

در خاتمه، ویتلی که در سراسر نامه با لحنی قاطع و عاری از شاخص‌های دال بر تردید و تشکیک سخن گفته، جهت حسن ختام، برای مخاطبِ نامه لب به دعا می‌گشاید، به او توصیه می‌کند که شهرت و قدرت موقتی است، ولی نام نیک جاودانه می‌شود.

۳)خطاب به اعلی‌حضرت شاه

«خطاب به اعلی‌حضرت شاه» نامهٔمنظوم دیگری است که ویتلی در سال ۱۷۶۸ میلادی خطاب به جرج سوم، شاه وقت بریتانیا، سروده و در آن از خداوند خواسته است به شاه و سلطنت وی طول عمر و اقتدار عطا کند. این نامه که علاوه بر دعایی‌بودن، همزمان دارای مضامین تحسین، قدردانی، و توصیه نیز هست، پس از این نوشته شد که شاه جرج قانون تمبر را – که وصف آن در بالا گذشت – پس از حدود یک سال اجرا در مستعمرات بریتانیا لغو کرد. این شعر بسیاری از سفیدپوستان مستعمره‌نشین را از این که یک برده‌ی سیاه شعر می‌سرود به شگفتی واداشت:

جدول۴- دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان ویتلی در شعر «خطاب به عالی‌جناب...»

	مؤلفه	شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده	زمینهٔ طرح
شاعر	دعاوی	۱. آزادی شهرها و کشورها را به زیبایی می‌آراید.	آزادی
		۲. امید که در سینه جای گیرد، غم و اندوه در آن رنگ می‌بازد.	امیدبخشی
		۳. صاحبان قدرت و مسند اگر اراده کنند، تغییرات اجتماعی سریع‌تر رخ می‌دهد.	قدرت و تغییر
		۴. در اوان اجرای هر نظم و طرحی نو، چالش‌ها و نواقصی وجود دارد.	تغییر و چالش
		۵. زورگویی‌ها، زنجیرهای آهنین، اقدامات نادرست، و بیگانگی با قانون هم راه‌گشا و هم محصول استبداد اند و عاقبت منجر به در بند کشیدن مردم می‌شوند.	وصف استبداد
		۶. عشق به آزادی چون چشمهٔ جوشانی است که در دل‌های پاک جاری می‌گردد.	آزادی
		۷. شهرت گذرا، لیکن، نام نیک مانا است.	نام نیک
		۸. صاحب‌مسندان برای رسیدن به بهشت باید نیکوکار و خدمت‌گزار مردم باشند.	خدمت مردم
	برهان-	۱. موضع عقلی استطاعت: صاحب‌مسندان اختیار و قدرت ایجاد تغییر را	سیاست

	ها	دارند.	
		۲. موضع عقلی حق و قانون: آزادی حق است و قانونی.	سیاست
		۳. موضع عقلی مقابله با سوء استفاده: استبداد با سوءاستفاده همراه است و بایستی از آن جلوگیری کرد.	سیاست
		۴. موضع عقلی رفع فشار و سنگینی: ظلم و استبداد با فشار و زورگویی همراه است.	سیاست
		۵. موضع عقلی مسؤولیت و پاسخ‌گویی: صاحب‌مسندان در قبال جایگاه و اختیارات خود مسؤول اند.	سیاست
		۶. توالی سختی/سستی: پس از سیاهی غم، روشنی امید است. کسب مقام و قدرت موقت است نه جاودانه.	جهان‌بینی

TO THE KING'S MOST EXCELLENT MAJESTY

خطاب به اعلی‌حضرت شاه

YOUR subjects hope, dread Sire—
The crown upon your brows may flourish long,
And that your arm may in your God be strong!

به مردمان‌تان امید بخشید، بزرگ شاهنشاها ـــــ [ادعا متضمن برهان] خدا عمر طولانی دهاد شاخص به آن تاج که بر سر دارید، [داده/ادعا/برهان] و نیز بازوانت به خواست خدایت شاخص نیرومند باد! [ادعا/برهان]

O may your sceptre num'rous nations sway,
And all with love and readiness obey!

به یاری خدا شاخص که نشان سلطنت‌تان را ملت‌های بسیاری به اهتزار درآورند، [ادعا/برهان] و همه شاخص با عشق و آمادگی [از جنابتان] اطاعت کنند! [ادعا/برهان]

But how shall we the British king reward!
Rule thou in peace, our father, and our lord!

اما چطور می‌بایست شاخص ما پاداش دهیم به شاه بریتانیا؟! [ادعا/برهان] تو ای پدر و ای سرور ما، در صلح فرمان‌روایی نما! [ادعا/برهان]

Midst the remembrance of thy favours past,
The meanest peasants most admire the last

هنگام یادآوری الطاف گذشته‌ی جناب‌تان، [داده] بخیل‌ترین دهقانان، آخرین را از همه بیشتر تحسین می‌کنند. [ادعا] (منظور لغو قانون تمبر است)

May George, beloved by all the nations round,
Live with heav'ns choicest constant blessings crown'd!

به خواست خدا، شاخص جرج، که محبوب همه‌ی ملت‌های اطراف است، [داده] تاج‌دار زندگی کناد و بهره‌مند از گزیده‌ترین نعمات مستمر آسمانی! [ادعا]

Great God, direct, and guard him from on high,
And from his head let ev'ry evil fly!

ای خدای بزرگ، او را از آن بالا هدایت و محافظت فرما، [ادعا] و شر هر شاخص شیطانی را از سر او دور نما! [ادعا]

And may each clime with equal gladness see
A monarch's smile can set his subjects free!

و امید شاخص که هر شاخص اقلیمی ببیند با شادیِ همسان [ادعا/برهان] که مردمان را آزاد می‌تواند کرد لبخند یک سلطان! [ادعا] (ویتلی، ۱۷۷۳: ۶)

در مطلع این نامهٔ منظوم پانزده مصرعی، شاعر از امید و امیدبخشیدن سخن می‌گوید و پس از آن لب به دعا می‌گشاید و از خدا می‌خواهد که همه‌ی ملت‌های پادشاهی بریتانیا با «عشق و آمادگی» از وی اطاعت کنند و تلویحاً به شاه گوشزد می‌کند که سلطنتی که با زور و اجبار و ارعاب مردمانش حکومت می‌کند دوام و قوام نخواهد داشت. در مصرع‌های پنج تا نه، وی به اهمیت اقدامات شاه جرج بویژه لغو قانون مالیاتی تمبر در مستعمرات بریتانیا اشاره می‌کند و وانمود می‌کند که رعیت شاه در این در مانده‌اند که چگونه از وی قدردانی کنند! سپس، شاعر بار دیگر لب به دعا برای شاهی می‌گشاید که با این اقدامات «محبوب ملت‌های اطراف» شده‌است.

پس از این دعا و ثنا برای شخص شاه با اشاره‌های ظریف به ایجاد امید، محبوبیت، و عشق در رعیت، ویتلی دو مصرع پایانی را نیز به دعا ختم می‌کند، اما نه برای شاه بلکه برای تغییر بیشتر در وضع و سامان رعیت شاه؛ گویا، ویتلی در ورای ادای کلمات ساده‌ای با مفاهیم چندگانه نظیر «اقلیم»، «شادی»، «همسان»، «مردمان» و «آزاد» در قالب دعا هدف سیاسی بسیار مهم‌ی را دنبال می‌کند: او در ورای این دعا از شادی همسان یعنی عدالتی همگانی سخن می‌گوید که بنیان آن بر آزادی رعیت است، چه آزادی و استقلال مستعمرات باشد چه آزادی بردگان! و اینهاست که به لبخند سلطان و قوام سلطنت او دوام می‌بخشد.

واتکینز نیز در این زمینه می‌نویسد که ویتلی از چندمعنایی کلمات بهره می‌گیرد تا به طور همزمان بتواند اخطارها و سرزنش‌های خود را ادا کرده و آنها را زیر نقاب پنهان کند؛ به دیگر سخن، ویتلی خوانش‌های متعددی در اختیار خواننده قرار می‌دهد که نیات شاعر از کلام وی را نیز پوشش می‌دهند (واتکینز، ۲۰۱۶، ص ۳۱). واتکینز می‌افزاید ویتلی احتمالاً این تکنیک را به کار می‌بسته‌است چون در جامعه‌ای می‌زیست که منطق لغو برده‌داری هنوز برای عده‌ای قابل تحمل نبود (ص ۳۲). دعاوی و برهان‌های شاعر بر مبنای تحلیل و تعبیر فوق در جدول ۵ ثبت شده‌است:

از بین شش برهانی که در جدول فوق درج گردیده است، سه برهان عقلی **الف) امید، ب) محبوبیت حاکمان، و ج) پاداش** بدیع بوده و در فهرست‌های پیشینه به چشم نمی‌خورند. تمامی برهان‌های استفاده شده از جانب ویتلی به صورت ضمنی و تلویحی طرح شده‌اند و کلماتی نظیر «اگر» و «زیرا» که بر تصریح برهان و شاخص قطعیت دلالت می‌کنند، به چشم نمی‌خورند. به دیگر سخن، محافظه‌کاری ویتلی در توصیه به شاه، علاوه بر این که در گزینش کلمات چندمعنا نهفته است، در شاخص‌های قطعیت به کاررفته نیز پیداست. در این شعر، انتخاب لحن دعایی به ویتلی کمک کرده تا توصیه‌هایش را پشت این حجاب و به کمک شاخص‌های تضعیف‌کنندهٔ قطعیت از قبیل «به خواست خدا» و «امید که» پنهان کند.

جدول ۵- دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان شاعر در «خطاب به عالی‌جناب شاه»

	مؤلفه	شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده	زمینهٔ طرح
شاعر	دعاوی	۱. فرمانروایان و صاحب‌مسندان باید به مردم تحت امرشان امید بدهند. ۲. صلح، امنیت، مال و مقام، و قدرت به خواست خداست. ۳. اطاعت با عشق و آمادگی دوام و قوام دارد نه با ترس و زور. ۴. نیکی را بایستی پاداش نیک داد. ۵. بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین کارها، آنهایی است که منفعت آن بیشترین و ضعیف‌ترین افراد را در بر بگیرد. ۶. فرمانروایان بایستی عدالت‌گستر و آزادی‌خواه باشند تا رعیت بر آنها شورش نکنند.	امیدبخشی خداشناسی طریق فرمانبرداری اعطای پاداش عدالت‌گستری عدالت‌گستری و آزادی‌خواهی

	برهان‌ها	۱. برهان عقلی امید: امید زندگی و طول عمر می‌بخشد. ۲. برهان عقلی قضا و قدر: هر چه شاه دارد به خواست خداست. ۳. برهان عقلی محبوبیت حاکمان: محبوبیت سبب فرمانبرداری می‌شود. ۴. برهان عقلی پاداش: پاداش دادن به نیکی سبب تکرار آن می‌شود. ۵. برهان عقلی عدالت: آزادی و شادی همسان در هر اقلیم ۶. برهان عقلی رفع فشار و سنگینی: در اینجا آزاد کردن مردمان	جهان‌بینی جهان‌بینی عقیدتی سیاست اخلاق اجتماعی حکومت‌داری حکومت‌داری

۴) خطاب به دانشگاه کمبریج، در انگلستان

در شعر برگزیدهٔ چهارم، ویتلی در نامه‌ای دیگر دانشجویان کالج هـاروارد را مخاطـب قـرار داده و به آنها متذکر می‌شود که از مذهب عیسی مسیح که مسیر خداشناسی است، دور نشـوند. ویتلی، در اینجا از تصویرسازی مذهبی و استعاره استفاده می‌کند تا به حفظ باورهای مذهبی در میان جریان‌های رو به رشد علوم مختلف کمک کند.

این شعر از سه بخش متفاوت تشکیل می‌شود و پیوند بینامتنی ژرفی بـین بخـش اول آن و شعر «درباره‌ی آورده شدن از آفریقا به آمریکا» که در بالا بررسی شد وجود دارد. ویتلی، بـرای ورود به کلام خطابی و توصیه به دین‌داری و پرهیزکاری در بخـش‌هـای دوم و سـوم، در بنـد آغازین، گوشه‌ای از سرنوشت خود را به تصویر می‌کشد و به مسیحی شدن خود می‌بالد:

TO THE UNIVERSITY OF CAMBRIDGE, IN NEW-ENGLAND

خطاب به دانشگاه کمبریج، در انگلستان

WHILE an intrinsic ardor prompts to write,
The muses promise to assist my pen;

درحالی‌که شور و شوقی درونی خواستار نوشتن است، موزه‌ها (=الهه‌ها) عهد می‌بندند[شاخص] که قلمم را یاری دهند؛ [داده]

'Twas not long since I left my native shore
The land of errors, and Egyptain gloom:

مدت زیادی نگذشته از آن زمان که من ساحل (سرزمین) مادری‌ام را بدرود گفتم، سـرزمین خطاها، تاریکی مصری: [داده]

Father of mercy, 'twas thy gracious hand
Brought me in safety from those dark abodes.

ای پدر رحمت، دستِ لطف تو بود که مرا ایمن از آن عمارت‌های تاریـک بـه اینجـا آورد. [ادعا/برهان]

Students, to you 'tis giv'n to scan the height
Above, to traverse the ethereal space,
And mark the systems of revolving worlds.

ای دانشجویان، بر شماست که ^شاخص^ بلندی‌ها را کاوش کنید در پهنای آسمان، تـا از فضـای اثیری گذر کنید، و سامانه‌های این دنیاهای در حال تغییر را معرفی کنید. [ادعا متضمن برهان]

Still more, ye sons of science ye receive
The blissful news by messengers from heav'n,

بعلاوه، شما ای فرزندانِ دانش، دریافت‌کنید خبرهای مبـارک آسـمانی را از زبـان پیـامبران، [ادعا]

How Jesus' blood for your redemption flows.
See him with hands out-stretcht upon the cross

[بنگر که] چگونه ^شاخص^ خون عیسی مسیح برای اصلاح شما جاری مـی‌شـود [داده/برهـان]
بنگرید او را با دستان گسترده‌ی بسته بر صلیب؛

Immense compassion in his bosom glows;
He hears revilers, nor resents their scorn:

مهری بی‌اندازه در سینه‌اش می‌تابد؛ او سخن توهین‌کنندگان را می‌شنود، ولی از تمسخرشان اندوهگین نمی‌شود [داده]:

What matchless mercy in the Son of God!
When the whole human race by sin had fall'n,

چه ^شاخص^ رحم بی‌نظیری است در [دلِ] پسر خدا! آن هنگام که تمام ^شاخص^ نژاد بشر به خاطر گناه [به زمین] افتاده‌بودند[داده]

He deign'd to die that they might rise again,
And share with him in the sublimest skies,
Life without death, and glory without end.

او مرگ را پذیرفت تا شاید ^شاخص^ (آنها) دوبـاره برخیزنـد، و بـا او در زیبـاترین آسـمان‌هـا شریک شوند زندگی‌ای بدون مرگ، و شکوهی بی‌پایان را. [داده]

Improve your privileges while they stay,
Ye pupils, and each hour redeem, that bears
Or good or bad report of you to heav'n.

بر محسنات و افتخارات خود بیافزایید حال‌که ماندگارند، و هر ساعت خود را از گناه نجات دهید [ادعا]، ای شاگردان، که فرستاده می‌شود گزارشی خوب یا بد از شما به آسمان [برهان].

Let sin, that baneful evil to the soul,
By you be shun'd, nor once remit your guard;
Suppress the deadly serpent in its egg.

بگذارید گناه، که شریرِ مزاحمِ روح شماست، از شما دفع شود، نه این که ناگاه حصار خود را [در برابر آن] در هم بشکنید این مار مرگ‌آور را درون تخمش سرکوب کنید. [ادعا/برهان]

Ye blooming plants of human race divine,
An Ethiop tells you 'tis your greatest foe;

شما ای گیاهان شکوفنده‌ی نژاد ملکوتی انسان، یک سیاه حبشی به شما می‌گوید که گناه بزرگ‌ترین دشمن شماست؛ [داده/ادعا]

Its transient sweetness turns to endless pain,
And in immense perdition sinks the soul

لذتِ موقتِ آن به دردی بی‌پایان بدل می‌شود، و در ظلمتی مطلق روح را غرق می‌کند. [ادعا/برهان] (ویتلی، ۱۷۷۳: ۶).

در اولین مصرع از بخش دوم، شاعر مفهوم بلندی را در گزارهٔ «بلندی‌ها را کاوش کنید، در پهنهٔ‌آسمان» به خدمت گرفته تا وظیفهٔ مخاطبان یا کشف مجهولاتی را به آنها گوشزد کند که بالاتر از سطح علمی آنهاست. از طرفی، طبق باورهای مذهبی، ممکن است این مفهوم اشاره‌ای باشد به اختلاف بین سطوح بهشت و جهنم؛ به هر حال، تصویری نیز که او از مسیح بر صلیب می‌سازد به مخاطبانش یادآوری می‌کند که صعود به هدف غاییِ خلقت صرفاً از طریق راهی که او مشخص کرده صورت می‌گیرد. در این زمینه، ویتلی از «به زمین افتادن نژاد بشر به خاطر گناه» سخن می‌گوید که گویا از فرود یا افتادن آدم ابوالبشر از بهشت به زمین نیز حکایت می‌کند؛ افتادنی که برای جبران آن مسیح «مرگ را پذیرفت» تا بلکه بنی‌بشر بیاموزند که چگونه «دوباره برخیزند». ویتلی بدون این که صراحتاً از بهشت و جهنم سخن بگوید از تقابل بین بلندی و پستی، افتادن و برخاستن بهره می‌گیرد تا عاقبت گزینش راه خیر و شر را متذکر شود.

در بخش سوم، ویتلی سه توصیه‌ی صریح به «شاگردان» می‌کند و از آنها می‌خواهد کلام او را به عنوان یک «سیاه حبشی» جدی بگیرند. در ابتدا، وی از آنها می‌خواهد از فرصتی که به

عنوان دانشجوی دانشگاه دارند بهره برده و «بر امتیازات خود بیافزایند». ظاهراً، ویتلی کسب علوم آکادمیک را مانعی بر سر راه مذهب نمی‌داند، بلکه، کاملاً آنها را سودمند می‌داند. دومین کاری که شاعر به مخاطب توصیه می‌کند، «اصلاح گزارش» یا کارنامه‌ی اعمالی است که به بارگاه الهی فرستاده می‌شود. ویتلی از آنها می‌خواهد «هر ساعت» به اعمال خود بیاندیشند.

به عنوان توصیهٔ سوم، ویتلی تقاضا می‌کند که تک تک دانشجویان گناه را از خود دفع کنند تا روزی برسد که با ارادهٔ همگانی در جامعه «این مار مرگ‌آور درون تخمش» خفه شود. ویتلی برای بیان این تقاضا به زبان استعاری به زیبایی تمام مقدمه‌چینی کرده است: گناه، شریر است و شریر، ماری است در کمین نشسته؛ همان ماری که باید در نطفه خفه شود تا هرگز فرصت وجود نیابد. از طرفی، ویتلی با استفاده از ترکیب استعاری «شما ای گیاهان شکوفندهٔ نژاد بشری» در خطاب به این گروه از دانشجویان، تلویحاً به ویژگی‌های جوانی، سرزندگی، سرسختی، و بی‌گناهی اشاره می‌کند که این افراد را در مقایسه با دیگران برای محقق کردنِ فهرستِ سفارش‌هایش توانمندتر و شایسته‌تر می‌نمایند. این دعاوی و برهان‌های صریح یا ضمنی به کاررفته در این شعر در جدول ثبت شده‌اند:

جدول ۶- دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان شاعر در «خطاب به دانشگاه کمبریج»

	مؤلفه	شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده	زمینهٔ طرح
شاعر	دعاوی	۱. در ورای مصیبت‌های دامن‌گیر انسان و غم و سختی هجران، حکمت و لطف خداوندی نهفته است.	خداشناسی
		۲. دانشجویان برای یاری به خلق خدا، باید به کشف مجهولات دنیوی و اخروی همت ورزند.	کشف مجهولات
		۳. توصیه‌های آسمانی پیامبران راهگشای جویندگان علم وو دانش است.	پیروی از عالم
		۴. خون‌های بسیاری از افراد پاک برای تثبیت و تقویت دین ریخته شده‌است، پس باید چون میراثی گرانبها از آن محافظت کرد.	حفظ دین
		۵. طعن، تمسخر و توهینِ جاهلان نباید مانع رسیدن به اهداف متعالیِ انسان گردد.	ثباتِ قدم
		۶. راه علم‌اندوزی را پایانی نیست، و نام دانشمندان ماندگار خواهد	ماندگاریِ نام نیک

		شد.	پیشرفت
		۷. در راه کسب علوم، هر کسی در هر ساعت باید نسبت به گذشته‌ی خود پیشرفت بیشتری داشته باشد.	
		۸. مؤمن باید هر لحظه به کارنامه‌ی اعمال خود بیاندیشد و در صورت انحراف از مسیر درست، نسبت به اصلاح و جبران آن اقدام نماید.	توبه و خوداصلاحی
		۹. از گناه دوری کنید که همانند ماری که در کمین نشسته موجب هلاک و بدبختی خواهد شد.	پرهیز از گناه
		۱۰. گناه بزرگ‌ترین دشمن انسان است و قدرت آن در برخورداری از لذت است هرچند موقت. پس این دشمن را هنگامی که قدرتی ندارد یعنی قبل از یافتن حیات و وجود باید نابود کرد.	پرهیز از گناه
	برهان-ها	۱. برهان عقلی پیامد نیکو: برای رسیدن به اهداف بایدمتحمل سختی-شد	جهان‌بینی عقیدتی
		۲. برهان عقلی تعریف: دانشجو گیاه شکوفنده است؛ گناه شریر مزاحم روح است؛ گناه بزرگترین دشمن است؛ و ...	جهان‌بینی عقیدتی
		۳. برهان عقلی رفع فشار و سنگینی: کشف مجهولات علمی	علم‌آموزی
		۴. برهان عقلی فایده و سودمندی: شریک شدن در نعمات آسمانی	جهان‌بینی عقیدتی
		۵. برهان عقلی بازدهی و بهره‌وری: افزودن بر امتیازات و افتخارات	اخلاق علم‌آموزی
		۶. برهان عقلی آموختن از عالم‌تر: پیروی از توصیه‌های پیامبران	اخلاق علم‌آموزی
		۷. برهان عقلی محاسبه‌ی نفس: خود را هر ساعت از گناه نجات دهید.	اخلاق شخصی
		۸. برهان عقلی رفع تهدید و خطر: گناه دشمن است.	اخلاق شخصی
		۹. برهان عقلی انسان‌دوستی: گاهی باید توهین و تمسخر جاهلان را نادیده گرفت.	اخلاق اجتماعی
		۱۰) برهان نقلی/شرعی کارنامۀ اعمال: گزارشی از کارهای خوب و بد شما ثبت می‌شود تا در آخرت به پاداش و مجازات متناسب برسید.	جهان‌بینی عقیدتی

در انتهای بخش سوم به عنوان حسن ختام، شاعر، که تا کنون با اعتماد وافری دربارۀ بهره-برداریِ دانشجویان از جوانی و دانش خود سخن گفته، شعر خود را به این پیام ختم می‌کند؛ گرچه در انجام گناه، سرخوشی و «لذت» نهفته است، اما این اثر «موقتی» است و «دردی بی-

پایان» در انتظار کسانی است که با رفاقت با «بزرگ‌ترین دشمنِ» انسان و غرق کردن روح خود در «ظلمت مطلق» راه رستگاری و آزادگی را برخود می‌بندند.

در این نامهٔ منظوم، اعتماد و اطمینان ویتلی به گفته‌های خویش – برعکس لحن محافظه‌کارانه‌ای که در نامهٔ «خطاب به عالی‌جناب شاه» به خدمت گرفته بود– در لحن صریح و آمرانهٔ وی در بیان توصیه‌ها و دعاوی‌اش نهفته است. توصیه‌هایی که شاعر در این نامه به انجام آنها امر کرده، در میانه‌ی یادآوری باورها ویا داده‌های مذهبی با لحنِ خبریِ قاطع صورت می‌گیرند؛ این تغییر لحن قاطعانه از خبری به امری در سرتاسر این نامه مشهود است و گهگاهی نیز با کمک شاخص‌های تقویت‌کننده مانند «بر شماست»، «چه» و «تمامی» چاشنی قوی‌تری نیز به آن افزوده شده‌است.

تنها شاخص تضعیف‌کننده‌ای که در این شعر دیده می‌شود فعل معین «شاید= might» در «شاید دوباره برخیزند» است. البته، دربارهٔ کاربرد شاخص «ممکن است» نیز بایستی گفت که گویا ویتلی هنگام سرودن نیز از چنان خودآگاهیِ شاعرانه‌ای برخوردار بوده که مانع از این می‌شده است که وی برای اموری که ارادهٔ دیگر مردمان در انجام آن دخیل است، حکم عمومی و یا قطعی صادر کند.

۵. نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول تحقیق، دعاوی و توصیه‌های ویتلی در اشعار منتخب با زبانی ساده و به دور از تصنع و تکلف ادبی در جدول‌های فوق درج شد که به طور کلی، این دعاوی در زمینه‌های نفیِ نژادپرستی، خداشناسی، حق‌شناسی و پاداش دادن، امیدبخشی، آزادی، قدرت و تغییر، تغییر و چالش، استبدادستیزی، نام نیک باقی گذاشتن، خدمت مردم، ایمان، عدالت‌خواهی، فرمانبرداری، کشف مجهولات، پیروی از عالم، ثبات قدم، حفظ دین، پیشرفت، توبه، و پرهیز از گناه طرح شده‌اند؛ این زمینه‌ها را که نسبت به تعداد قطعات دارای تنوع بسیار زیادی است می‌توان زیر چتر حوزه‌های الف) اخلاق فردی، ب) اخلاق حکومتی–سیاسی، و ج) ایمان و خداشناسی جای داد. از نظر تجویزی بودنِ اکثر این دعاوی نیز می‌توان ویتلی را در زمرهٔ وظیفه‌گرایان قاعده‌نگر دسته‌بندی کرد که گرایشی است از هنجارشناسی اخلاق.

به‌علاوه، در این نمونه اشعار برهان‌های متعددی شناسایی شد که به جز یک مورد که نقلی/شرعی محسوب می‌شود، مابقی از نوع عقلی و غالبا غیرصریح هستند. ضمناً، در میان برهان‌های شناسایی شده، موارد زیر با توجه اشعار ویتلی شناسایی، نام‌گذاری و تعریف شده و به فهرست‌های پیشینه افزوده می‌شوند: ۱) رستگاری، ۲) وراثت، ۳) برهان نقلی/شرعی کارنامهٔ اعمال، ۴) ترس از مجهولات، ۵) امیدواری، ۶) محبوبیت (حاکمان)، ۷) آموختن از عالم‌تر، ۸) محاسبه‌ی نفس، و ۹) پاداش.

در پاسخ به سؤال سوم تحقیق نیز جدول ۷ شاخص‌های قطعیتِ استفاده‌شده در سبک ویتلی و بسامد آنها را در اشعار منتخب نشان می‌دهد:

جدول ۷- شاخص‌های قطعیت به کاررفته در نمونه‌ای از اشعار ویتلی

شاخص	بسامد در کل نمونه	شاخص	بسامد در کل نمونه
بیش از این	۳	شاید / ممکن است	۲
سؤال خطابی	۴	هیچ	۱
هر	۴	(نه) فقط	۱
چه / چگونه (تعجبی)	۲	هرگز	۱
همه/تمام	۲	اگر	۲
دعایی	۳	به ظاهر	۱
وجه امری+بایستن	۶	عهد بستن	۱

با توجه به این جدول، می‌توان در مجموع اظهار کرد که ویتلی در اشعار منتخب، لحن قاطع، بااطمینان و باثباتی دارد. این شاعر بسیار به ندرت – حدود سه درصد در نمونه– از شاخص‌های تضعیف‌کنندهٔ قطعیت در قالب کلماتی مانند «شاید، ممکن است، و گویا» استفاده کرده است؛ هرچند، هنگامی که به مقامات بلندپایه توصیه می‌کرده، لحن دعایی پیش گرفته تا قاطعیت را تعدیل ویا تضعیف کند. البته، وی در کاربرد شاخص‌های تقویت‌کننده‌ی قطعیت نیز تنوع چندانی به خرج نداده و بیان داده‌ها و دعاوی در قالب «سؤال خطابی»، «تعجب و مبالغه»، «امری صریح» فراوان در سبک و لحن او به چشم می‌خورند. غیر از این موارد، ویتلی غالباً ترجیح می‌داده از ساختار قاطع خبری استفاده کند که ذاتاً نیازی به تقویت‌کننده ندارد.

زمانی که کاربرد استدلال‌ورزی می‌تواند در حوزه‌هایی همچون حقوق به‌عنوان دفاع از یک متهم یا محکوم کردن وی در دادگاه، سنجش اعتبار برای شواهد و مدارک و نیز بررسی توجیه‌های فراعقلانیِ فعالان اجتماعی، مدیریتی و سازمانی در مورد اتخاذ تصمیماتِ مبتنی بر منطق، کاربرد داشته باشد، بدون شک قادرخواهد بود در نظریات عقلانی و منطقی که از سوی نظریه‌پردازان حوزهٔ ادبی و شاعران مطرح می‌گردد، نیز مؤثر واقع شود. به‌ویژه در حوزهٔ اخلاقیّات و اجتماعیّات که شاعر سعی در توجیه خواننده به رعایت موازین اخلاقی و آداب اجتماعی دارد.

منابع

۱- عالمی، روح الله (۱۳۸۹). ***منطق***. چاپ دوم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی.

۲- کانوی، د.، مانسون، ر. (۱۳۹۱). ***مبانی استدلال***، ترجمه‌ی تورج قانونی، نشر ققنوس.

۳- مزینانی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). ***گفتمان‌کاوی موضوعی مدلی بر مبنای تاریخی گفتمانی و روش تفسیر قرآن کریم***. رساله دکتری منتشرنشده، دانشگاه فردوسی مشهد

۴- مزینانی، ابوالفضل. نصیری، سحر. (۱۳۹۷). "طرح روش تحقیق جهت کاربست نظریه استدلال تولمین در سبک‌شناسی، تحلیل گفتمان، و زبان‌شناسی حقوقی". ***دوماه‌نامه جستارهای زبانی***. انتشار آنلاین به آدرس:http://lrr.modares.ac.ir/

۵- روزبهانی، سعید. سبزواری، ویدا، امیراحمدی، ابوالقاسم، و محمد داودی (بی‌تا)، بررسی شیوهٔ استدلال‌ورزی در مناظرات پروین اعتصامی بر اساس نظریهٔ تولیمن، ***مجله پژوهش-های ادبی شیراز***. نوبت چاپ

۶- عبدالهی، منیژه. عمل‌صالح، احیا (۱۳۹۱)، بررسی ساختار استدلال در سه متن دورهٔ قاجار. ***مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز***. س ۴. ش ۲. صص ۱۵۱-۱۷۴.

۷- اسکویی، نرگس. (۱۳۹۴)، تأثیر فرهنگ عامه بر شعر رسمی، ***فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی***، ش ۳۹. صص ۱-۲۲

8- Gates, H. L. (2010), ***Trials of Phillis Wheatley: America's Second Black Poet and Her Encounters with the Founding Fathers***, Basic Civitas Books

9- Kennedy, G. A. (1963), ***Greek Rhetoric under Christian Emperors***, New Jersey: Princeton.

10- Mani, Manimangai. (2015). "Racial Awareness in Phillis Wheatley's Selected Poems". ***International Letters of Social and Humanistic Sciences***. Vol. 56, pp 74-79.

11- Meehan, Adam; Bell, J. L.(2017). "**Phillis Wheatley: George Washington's Mount Vernon**". Mount Vernon.

12- Reisigl, M., & Wodak, R. (2009). The discourse-historical approach. In R. Wodak & M. Meyer (Eds.), ***Methods of critical discourse analysis*** (2nd ed., pp. 87–121). London, UK: Sage.

13- Herbert, R. G. (1970). ***Life and Works of Phillis Wheatley***. The Black Heritage Library Collection. Plainview, N.Y.: Books for Libraries Press.

14- Richards. J. (2008), ***Rhetoric***, London and New York: Routledge.

15- Shields, J. C. (1980). "Phillis Wheatley's Use of Classicism", ***American Literature***. 52(1). pp 97-111.

16- Ivester, H. (2009). "The Stamp Act of 1765 – A Serendipitous Find" .***The Revenue Society***, Vol. XX, No.3, pp.87–89.

17- Watkins, J. D. (2016). ***Literary Subversions: The Enlightenment Subject in Wheatley and Melville***. MA Thesis. San Francisco State University

18- Wodak, R. (2001). The Discourse-historical Approach. In R. Wodak. & M. Meyer (Eds.), ***Methods of Critical Discourse Analysis*** (pp. 63–94). London: Sage

19- Toulmin, S. E. (1972). ***Human Understanding: The Collective Use and Evolution of Concepts***. Princeton University Press.

20- Toulmin, S. E. (1985 [2003]). ***The Uses of Argument.*** Cambridge University Press.

21- Wheatley, P. (1773). ***Poems On Various Subjects, Religious And Moral***. Denver, Colorado: W.H. Lawrence.

22- Carretta, V. (2011). ***Phillis Wheatley: Biography of A Genius in Bondage***. Athens: University of Georgia Press.

Analysis of Phillis Wheatley's – African – American Poet – Political – Moral Poems Based on Stephen A . Toulmin's Theory of Argumentation

Vida Sabzevari beydokhoti
PhD Student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Sabzevar, Sabzevar , Iran
Dr. Saeed Roozbehani
The Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Islamic Azad University of Sabzevar, Sabzevar, Iran
Dr. Abolghasem AmirAhmadi
The Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Islamic Azad University of Sabzevar, Sabzevar, Iran
Received: 11/02/2021 Accepted: 28/07/2021

Abstract

Argument includes a lawful combination of evident propositions in order to arrive at the new propositions on purpose of setting a mind link until reaching a conclusion for an ambiguous proportion to turn into a certain one which is made of several assumptions and one conclusion. In argumentation, the assumptions or induction are used as evident, factual statements to identify new statements. In fields of morality and religion, in particular, this process is likely to affect the addressee's thoughts , beliefs , and sophistication so strongly that the person inevitably takes a step toward improving and / or refraining from them. Aristotle was among those who has stated predicable logics and evidences for addressee's satisfaction into two groups including " inartistic evidence" and " artistic evidence" . To make artistic logics – as the central nucleus in art of oration - more satisfactory , he recommends doing three following things : validating the addressee's' impression of orator's personality and importance or requesting it , producing excitement or appealing to addressees' feelings , and ethical satisfaction . Stephen A Toulmin
, the well - known philosopher of 20th century who established the theory of argumentation, has broken the available arguments down into six component parts: **claim**, **ground**, **warrant** , **backing** , **rebuttal** , and **speech certainty standards** . Such theory of satisfaction can be seen in poems of Persian and non – Persian poets, of whom Phillis Wheatley (1784) – the first African – American female poet - can be named . The present study has been conducted on the basis of Toulmin's theory of argumentation

in order to analyse and have an argumentative and thematic look into a number of ethical – political verses selected from Wheatley's poems.

Keywords : Argumentation , Wheatley , Theory , Toulmin , Analysis